



فضایل اخلاقی

یکی از مسائل اساسی در فلسفه اخلاق این است که ملاک و معیار فضیلت اخلاقی چیست و چگونه می‌توان **فعل اخلاقی** را از **فعل طبیعی** باز شناخت. به تعبیر دیگر، با توجه به چه ملاکی است که می‌توان فعلی را فضیلتی اخلاقی به شمار آورد؟

فهرست مندرجات

- ۱ - ملاک فضیلت و تمییز فعل اخلاقی
- ۲ - آراء مختلف پیرامون معیار فضیلت اخلاقی
 - ۲.۱ - دیدگاه عاطفه گرایان
 - ۲.۲ - دیدگاه لذت گرایان
 - ۲.۳ - دیدگاه کانت و نظرات دیگر
 - ۲.۴ - دیدگاه وجدان گرایان
 - ۲.۵ - دیدگاه جامعه گرایان
 - ۲.۶ - دیدگاه اندیشمندان مسلمان
- ۳ - نقد معیار های فضایل اخلاقی
- ۴ - چگونگی تعیین معیار فضیلت اخلاقی
- ۵ - فضائل اخلاقی بر اساس نظام اخلاقی اسلام
- ۶ - پانویس
- ۷ - منبع

ملاک فضیلت و تمییز فعل اخلاقی

در مکاتب مختلف بحثهای فراوانی پیرامون شناخت ملاک فضیلت و تمییز فعل اخلاقی از غیر آن صورت گرفته و هر مکتب به فراخور مبانی فکری خویش معیار خاصی را ارائه داده و جدول مشخصی را برای فضائل اخلاقی ترسیم نموده است در این گفتار کوتاه ابتدا به برخی از این نظریات اشاره نموده و سپس دیدگاه اسلام مطرح شد.

آراء مختلف پیرامون معیار فضیلت اخلاقی

از جمله مکاتبی که در باب معیار تشخیص فضیلت اخلاقی اظهار نظر کرده‌اند، از مکاتبی همچون **عاطفه‌گرایان**، **لذت‌گرایان**، **وجدان‌گرایان** طرفداران اصالت جامعه، وظیفه‌گرایان و در دنیای اسلام از مکتب اشاعره و امامیه می‌توان نام برد.

[۱] مصباح یزدی، محمد تقی، فلسفه اخلاق، ص ۸۶، ۷۱، انتشارات اطلاعات، چاپ ششم،

[۲] مصباح یزدی، مجتبی، فلسفه اخلاق، ص ۶۰، ۷۷، ۸۵، ۹۱، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، هشتم، ۱۳۸۱ ه.ش.

← دیدگاه عاطفه گرایان

عاطفه‌گرایان که کمال انسان را در خدمت به خلق می‌دانند، تنها افعالی را که با انگیزه دیگر دوستی و عاطفه غیر خواهی صورت پذیرد فضیلت اخلاقی بر می‌شمرند و افعالی را که فقط در جهت تأمین منافع فردی صورت می‌گیرد را فاقد ارزش اخلاقی می‌دانند.

← دیدگاه لذت گرایان

در نقطه مقابل این گروه لذت‌گرایان وظیفه انسان را تحصیل لذت و گریز از رنج دانسته و افعالی را که در این راستا صورت می‌گیرد دارای ارزش اخلاقی می‌دانند.

افرادی نیز همچون کانت تنها افعالی را خوب و فضیلت به حساب می‌آورند که از روی احساس وظیفه و تکلیف صورت گرفته باشد نه اینکه صرفاً رفتاری ناشی از تمایلات طبیعی انسان باشد برخی مکاتب نیز از زوایای دیگری به موضوع نگرینسته و برای تمییز فضیلت از ردیلت رجوع به نظر یک قاضی را لازم دانسته‌اند.

← دیدگاه وجدان گرایان

وجدان گرایان معتقدند وجدان به راحتی و از راه الهام قادر به تشخیص خوب و بد افعال است.

← دیدگاه جامعه گرایان

و جامعه‌گرایان قضاوت جامعه را ملاک تفکیک فضیلت از ردیلت دانسته‌اند.

← دیدگاه اندیشمندان مسلمان

در کنار اینها از دانشمندان مسلمان **اشاعره** امر و نهی پرورنگار را ملاک خوبی و بدی افعال می‌دانند در حالی که امامیه و معتزله به مخالفت با آنان پرداخته و معتقدند عقل انسان دارای ظرفیتی است که توان درک خوبی و بدی افعال را دارد و این طور نیست که تا به فعلی امر نشود آن فعل فاقد مصلحت باشد و امر پرورنگار موجب ایجاد مصلحت در آن شود.

نقد معیارهای فضایل اخلاقی

در نقد معیارهای ارائه شده از طرف صاحبان این مکاتب به طور اجمال باید گفت که، اولاً اکثر آنها در تشخیص کمال حقیقی انسان در نقش مؤثر در تعیین ملاک فضیلت دارد به خطا رفته‌اند. لذا این طور نیست که صرف خدمت به خلق و یا تحصیل لذت و گریز از رنج و یا انجام عمل بر اساس احساس وظیفه کمال برای انسان باشد، چه بسا عملی دارای سود فردی است اما فضیلت و عبادت است و یا انجام عملی مستلزم رنج فراوان است اما نهایتاً به لذت فراوانی منجر می‌گردد و یا فاقد لذت ظاهری محسوس است و یا انسان در تشخیص وظیفه اشتباه کند علاوه بر اینکه نمی‌توان بدون یک گرایش توحیدی گفت که شخص می‌تواند عملی را صرفاً از روی احساس وظیفه و بدون در نظر گرفتن هیچ گونه نفع یا ضرری انجام دهد. ثانیاً اینطور نیست که قضاوت وجدان بشر و یا جامعه بتواند ملاک تفکیک فضیلت از ردیلت باشد، زیرا در خیلی از موارد مصادیق خوب و بد بدیهی نیستند تا وجدان به راحتی آنها را تشخیص دهد علاوه بر اینکه ممکن است وجدان در اثر تربیت ناصحیح در تمییز غلط عمل کند. از طرف دیگر نظر جامعه نیز مورد قبول نیست زیرا پذیرش این مطلب مستلزم نسبی شدن اخلاق و تبعیت آن از نظر اکثر افراد جامعه است که با تغییر نظر اکثر فضائل اخلاقی نیز دگرگون شده و ردیلت‌ها تبدیل به فضیلت می‌شوند.

[۱] مصباح یزدی، مجتبی، فلسفه اخلاق، ص ۶۰، ۷۷، ۸۵، ۹۱، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، هشتم، ۱۳۸۱ ه. ش.

ثالثاً درباره نظر اشاعره نیز باید گفت که این طور نیست که ملاک خوبی و بدی قبل از امر و نهی خداوند در فعل نباشد و عقل قادر به درک آن نگردد لذا قرآن می‌فرماید: «ان الله لا یأمر بالفسح»

[۲] اعراف /سوره ۷، آیه ۲۸

که بیانگر وجود ملاک حسن و قبح در افعال قبل از امر پرورنگار است.

در کنار این مکاتب برخی ریشه همه فضایل را در دو فضیلت نیک خواهی و عدالت دانسته و تصریح می‌کنند اگر ملکه‌ای نفسانی را نتوان از این دو اخذ کرد در واقع آن ملکه یا فضیلت اخلاقی نیست، (مثلاً ایمان، امید و حکمت که فضایل دینی و عقلانی‌اند نه اخلاقی) و یا اصلاً فضیلت نیست.

[۳] طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۳۷۱.

در سنت مسیحی نیز گفته می‌شود که مسیحیان هفت فضیلت اصلی دارند، سه فضیلت الهیاتی، (ایمان، امید و محبت) و چهار فضیلت انسانی (مصلحت اندیشی، بردباری، اعتدال و عدالت، افلاطون و سایر فیلسوفان یونان و بسیاری از حکیمان مسلمان نیز از چهار فضیلت حکمت، شجاعت و اعتدال به عنوان فضایل مادر و بنیادین نام می‌برند.

[۴] مصباح یزدی، محمد تقی، فلسفه اخلاق، ص ۱۵، چپ و نشر بین الملل، چپ اول، ۱۳۸۱.

چگونگی تعیین معیار فضیلت اخلاقی

در تعیین فضیلت، ابتداء لازم است به این مسئله پرداخته شود که کمال حقیقی انسان در چیست، زیرا در صورتی امری فضیلت به حساب می‌آید که کمالی را بر کمالات انسان بیفزاید و او در راستای رسیدن به کمال لایق وی یاری رساند، یعنی هر فعل و صفتی به هر اندازه که انسان را در رسیدن به کمال واقعی و نهانی یاری رساند یا زمینه را برای وصول به آن فراهم کند از ارزش اخلاقی برخوردار است. بنابراین می‌توان چنین نتیجه گرفت که چون کمال انسان امری واقعی و صفتی وجودی است لذا افعال و صفاتی که بین آنها و کمال نهایی انسانی رابطه علی و معلولی وجود داشته باشند افعال و صفت دارای ارزش اخلاقی بوده و در ردیف فضایل اخلاقی محسوب می‌گردند. چنانچه مکاتب دیگر نیز به این امر توجه داشته‌اند اما در تشخیص کمال حقیقی انسان به خطا رفته‌اند.

فضائل اخلاقی بر اساس نظام اخلاقی اسلام

انسان فطرتاً گرایش به سمت کمال دارد و برای رسیدن به کمال مطلق آفریده شده است؛ زیرا هر چه در مسیر کمال پیش می‌رود خواهان بدست آوردن درجات بالاتری از آن است. وجود بی نهایت کمال مطلق، بر اساس تعلیم دین اسلام، وجود خداوند متعال است، بنابراین کمال انسان و مطلوب نهایی او در هر چه نزدیکتر شدن به سرچشمه هستی و قلب پرورنگار می‌باشد. آیت **قرآن و روایت** معصومین نیز شاهد گویایی بر این مطلب هستند، خداوند در قرآن کریم بالاترین درجات کمال بنده را لقاء پرورنگار و بازگشت به سوی حق معرفی کرده است: «یا ایها النّس المطمئنّه ارجعی الی ربّک راضیة فالخلی فی عبادی، و الخلی جنتی»

«ای نفس مطمئن به حضور پروردگارت باز آیه که تو خشنود و او راضی از توست، در صف بندگان خاص من درآی و در بهشت من داخل شو» «ان الذین لا يرجون لقاءنا و رضوا بالحيوة الدنيا...»

۱۸ یونس/سوره ۱۰، آیه ۸

«آنها که به دیدار ما امیدوار نیستند و به زندگی پست دنیا دلخوش داشته‌اند، آنها از آیت و نشانه‌های ما غافلند و به سبب کردارشان در دوزخ جای می‌گیرند.»
از همین دوست که ائمه معصومین علیهم السلام در مناجات‌های خویش با پروردگار درخواست تقرب هر چه بیشتر داشته‌اند **امیر مومنان علیه السلام** در مناجات شعبانیه که زبان دعای همه ائمه علیهم السلام بوده، اینگونه مناجات می‌کند: «الهی به لی کمال الانتطاع الیک»

۱۹. مفاتیح الجنان، اعمال ماه شعبان، مناجات شعبانیه، شیخ عیسی قمی (ره).

«معبودا! ما به برین از همه و پیوستن به خود را عطا کن». و امام سجاد علیه السلام در مناجات خود دبا خدا اینگونه دعا می‌کند: «الهی فاجعلنا ممن اصطفیته لقریبک»

۲۰. مفاتیح الجنان، مناجات خمس عشر، مناجاة المحبین.

خدایا مرا از کسانی قرار ده که برای قرب خود برگزیده ای. خدایا ما را به راههایی ببر که به تو برسیم و ما را در نزدیکترین راههای ورود به خودت سیر و حرکت ده...

۲۱. مفاتیح الجنان، مناجاة خمس عشر، مناجاة المریدین.

حل با توجه به اینکه کمال نهایی انسان وصول به مقام قرب الهی است، در نتیجه هر فعل و صفتی که انسان را در رسیدن به این مرتبه یاری کند و سبب ارتقاء انسان در مراتب قرب پروردگاری باشد و یا زمینه را برای سیر الی الله فراهم نماید، فضیلت محسوب می‌شود.

۲۲. مصباح یزدی، محمد تقی، فلسفه اخلاق، ص ۱۸۴،

۲۳. مصباح یزدی، مجتبی، فلسفه اخلاق، ص ۱۴۰.

از همین روست که تمام عبادات اعم از واجب و مستحب در زمره فضائل اخلاقی به شمار می‌روند و برخی علماء اخلاق نیز در کتب خود آنها را نیز ذکر کرده اند از جمله مرحوم ملا محمد مهدی نراقی بسیاری از واجبات و مستحبات را در زمره فضائل اخلاقی گنجانده است.

۲۴. نراقی، محمد مهدی، جامع السعادات، چاپ سوم، مطبعة النجف، النجف الاشرف، ۱۳۸۳ ه ق، مثلاً در جلد دوم، خمس، زکات، صدقات و امر به معروف... را در زمره فضائل اخلاقی ذکر نموده است.

و در تفسیر فضائل اخلاقی اینگونه مرقوم می‌دارد: «فضائل الاخلاق من المنجیة الموصلة الی السعادة الابدیة»

۲۵. نراقی، محمد مهدی، جامع السعادات، ج ۱، ص ۹.

که بنا بر این هر آنچه را در وصول انسان به سعادت ابدی که کمال نهایی آن قرب الی الله است مؤثر باشد، جزو فضائل اخلاقی می‌توان به حساب آورد. در این میان به نکته مهم دیگری باید اشاره کرد و آن اینکه از نگاه قرآن کریم تنها اعمالی دارای ارزش اخلاقی و موجب تقرب انسان به سمت پروردگار هستند که با انگیزه خداجویانه و برای رضای خدا صورت گیرد وگرنه صرف صورت عمل که در قالب خاصی انجام شود، فضیلت محسوب نخواهد شد و نیت تقرب به حق از اساسی ترین معیارها برای ارزشمندی عمل به حساب می‌آید. قرآن کریم نیز در برخی از آیات به این نکته تصریح نموده است، از جمله در آیه ۲۰۷ سوره بقره که در شأن حضرت علی علیه السلام نازل شد: «و من النلس من یشری نفسه ابتغاء مرضات الله و الله رؤوف بالعباد»

۱۶ بقره/سوره ۲، آیه ۲۰۷

و برخی از مردم کسانی هستند که از جان خود برای تحصیل رضای پروردگار خویش می‌گذرند و خداوند نسبت به بندگان رؤوف و مهربان است. حضرت اگر چه در بستر پیامبر تا جان ایشان محفوظ بماند و این کار مهم و ارزشمندی بود، اما خداوند ملاک ارزشمندی شدن عمل ایشان را شجاعت، شهامت و یا از خود گذشتگی و ایثار به خاطر دیگران، معرفی نمی‌کند، بلکه کسب رضای پروردگار به تقرب به او را معیار ارزشمندی شدن عمل حضرت می‌داند.

۲۷. مجله پژوهشهای قرآنی، ش ۱۱ و ۱۲، ص ۸۵ (جمعی از محققین) دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۶ چاپ اول.

بنابراین در نظام اخلاقی اسلام، هر آنچه که موجب تقرب انسان به پروردگار و وصول به کمال مطلق باشد و با انگیزه خداجویانه و کسب رضای الهی صورت پذیرد دارای ارزش اخلاقی خواهد بود و فضیلت به حساب می‌آید، گرچه ممکن است در دسته بندی فضائل برخی اعم و در برگیرنده فضائل خاص تری باشند.

پانویس

۱. ↑ مصباح یزدی، محمد تقی، فلسفه اخلاق، ص ۷۱ ۸۶، انتشارات اطلاعات، چاپ ششم،

۲. ↑ مصباح یزدی، مجتبی، فلسفه اخلاق، ص ۶۰، ۷۷، ۸۵، ۹۱، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، هشتم، ۱۳۸۱ ه.ش.

۳. ↑ مصباح یزدی، مجتبی، فلسفه اخلاق، ص ۶۰، ۷۷، ۸۵، ۹۱، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، هشتم، ۱۳۸۱ ه.ش.

۴. ↑ اعراف/سوره ۷، آیه ۲۸

۵. ↑ طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۳۷۱.

۶. ↑ مصباح یزدی، محمد تقی، فلسفه اخلاق، ص ۱۵، چاپ و نشر بین الملل، چاپ اول، ۱۳۸۱.

۷. ↑ فجر/سوره ۸۹، آیه ۲۷-۳۰

۸. ↑ یونس/سوره ۱۰، آیه ۸

۹. ↑ مفاتیح الجنان، اعمال ماه شعبان، مناجات شعبانیه، شیخ عیسی قمی (ره).

۱۰. ↑ مفاتیح الجنان، مناجات خمس عشر، مناجاة المحبین.

۱۱. ↑ مفاتیح الجنان، مناجاة خمس عشر، مناجاة المریدین.

۱۲. ↑ مصباح یزدی، محمد تقی، فلسفه اخلاق، ص ۱۸۴،

۱۳. ↑ مصباح یزدی، مجتبی، فلسفه اخلاق، ص ۱۴۰.

۱۴. ↑ نراقی، محمد مهدی، جامع السعادات، چاپ سوم، مطبعة النجف، النجف الاشرف، ۱۳۸۳ ه ق، مثلاً در جلد دوم، خمس، زکات، صدقات و امر به معروف... را در زمره فضائل اخلاقی ذکر نموده است.

۱۵. ↑ نراقی، محمد مهدی، جامع السعادات، ج ۱، ص ۹.

۱۶. ↑ بقره/سوره ۲، آیه ۲۰۷

۱۷. ↑ مجله پژوهشهای قرآنی، ش ۱۱ و ۱۲، ص ۸۵ (جمعی از محققین) دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۶ چاپ اول.

